



PARTOW, Literature, Art & Culture

This site is dedicated to the creations of Independent Iranian Artists

[Fariborz Farshim ۱ تیر ۱۴۰۳ ساعت ۹:۳۳](#)

گارگانتوا را به پایان بردم و در هر فصل اش ده ها بار محمود مسعودی، دوست عزیزم، را آفرین گفتم، ستودم و رنج و زحمتی را که در این راه کشیده است در دل و ذهن عمیقاً احساس کردم. از تنوع منابع مورد استفاده اش، از وسواس ها و نکته سنجی هایش، و صبر و شکیبایی پی پایش، همه و همه در برابر چشم دل و ذهنم شکل گرفت و زنده شد و چهره ی نازنینش ناظر هوشیاری بود که نگران ایستاده بود در کنارم.

چه خوب کرده است محمود مسعودی که از اصطلاحات و واژه های گیلکی استفاده کرده. استفاده از گنجینه ی گیلکی در زبان فارسی و ورود کامل آن ها به این زبان نیروی شگرفی خواهد داد. همین طور است در مورد مازنی و کردی و بلوچی و لری. نباید از آن ها غافل بود. حجم یادداشت ها و حواشی که گاه در موارد اندکی نیاز به تکرار نداشت، خود ارزش معنوی بسا افزوده ای است بر اصل اثر. می توانم بگویم که گارگانتوا، به همراه مقدمه و یادداشت های خود مترجم در پایان هر فصل، که حتی تفاوت نسخ را هم در بر گرفته، بازتاب کننده ی عمق وسواس اوست و متن فارسی را تبدیل به یک دایرة المعارف کوچک قرون وسطای تاریخ فرانسه به سبک هجو و طنزپردازی تاریخی رومان گونه کرده است.

توضیحات مترجم، دست در دست متن، خواننده را با خود همراه می کند و او را در فضای فرهنگی سده های تحول یابنده به سوی سپیده دم عصر نو و درکی زنده و هم زمان پر از طنز و فکاهه با خود به گذشته های تاریخ می برد. گسل از دوران تاریکی قرون وسطی و شکل گیری تخیلی-یوتوپیایی جهان پیشاروی با خیالپردازی های شاعرانه درهم آمیخته، درکی روشن از زوایای زندگی آن سده ها به دست می دهند. اشعار قسمت پایانی هم خود به خوبی ذهنیت رابله و منتقدان آن عصر را می نمایند. برای خواننده ای که می خواهد تاریخ ایران را با قرون وسطای فرانسه مقایسه کند و به تفاوت ها و شباهت ها آن ها پی ببرد، خواندن این اثر مفید خواهد بود.

فرشیم

[https://partowweb.blogspot.com/۲۰۲۴/۰۵/blog-post\\_۲۳.html?m=۱](https://partowweb.blogspot.com/۲۰۲۴/۰۵/blog-post_۲۳.html?m=۱)